

معرفی کتاب خارجی

ابوتمام و کتاب الشجره

○ محمد کاظم رحمتی

- An Ismaili Heresiography
- ed and tr. Wilferd Madelung and Paul E. Walker
- The Babal-Shaytan from Abu Tammams Kitab al-Shajara
- E. J. Brill, Leiden, 1998.

اشاره:

در میان نحله‌های اسلامی، فرقه اسماعیلیه، به تاویلات دور و دراز خود شهره است و عالمان اسماعیلی در این باره آثار فراوانی نگاشته‌اند. این آثار تا مدت‌ها در دسترس نبود و محققان تنها در برخی از کتابخانه‌های خصوصی توانستند به برخی از این آثار دست یابند. نکته دیگری که تذکر آن خالی از فایده نیست، وجود سنت‌های مختلف و انشعابات فراوان در بین اسماعیلیه است که خود عاملی برای حفظ آثار مختلف این نحله شده است. می‌دانیم که عالمان اسماعیلی در جریان تکوین اسماعیلیه، در برخی از عقاید خود تجدید نظر کرده‌اند و به تبع این امر، برخی از آثار عقاید پیشین خود را (به عمد یا غیر عمد) از بین برده‌اند و تنها اقبال محققان حوزه مطالعات ملل و نحل اسلامی، وجود همان سنت‌های چندگانه است که بخشی از میراث قبل از این تحولات را حفظ کرده است. کتابی که در این نوشتار به آن خواهیم پرداخت، یکی از این آثار است.



ایران در قرن چهارم می‌داند که بعد از آن از بین رفت.^۹ مؤلف کتاب الايضاح نیز این مطلب را تأکید کرده و در اشاره به این مطلب نوشته است: «... من اراد الوصول الى الفلك الثامن فقد نجا من عذاب النار وقاز فوزاً عظيماً و من ههنا قيل في عذاب الدنيا الذي هو العذاب الالدي في تاويل قول رسول الله (ص): ابواب الجنة ثمانية اى من امن بخليفته القائم سلام الله على ذكره، الذي هو ثامن الخلفاء فقد نجا من العذاب الالدي» (ص ۱۳۷).

شگفت‌آور است که عارف تامر این کتاب را در سال ۱۹۸۲ با عنوان کتاب شجرة اليقين دوباره منتشر کرده و این بار آن را به داعی عبدان قرمطی منسوب کرده است. تامر در مقدمه این چاپ هیچ اشاره‌ای به چاپ این کتاب توسط خود با عنوان الايضاح نکرده است. مشخص است که وی درباره مؤلف این کتاب به نتیجه‌ای نرسیده است. داعی قرمطی که تامر کتاب را در چاپ دوم به او نسبت داده، در سال ۲۸۶ ق کشته شده است.

اسماعیل بن عبدالرسول اجینی معروف به مجنوع (از عالمان اسماعیلی قرن دوازدهم)، کتاب ارزشمندی درباره تألیفات اسماعیلیه به نام فهرسة الكتب و الرسائل و لمن هي من العلماء و الائمة و الحدود و الافاضل دارد که به تحقیق علینقی منزوی (تهران، ۱۹۶۶ م) منتشر شده است. اجینی در بخشی از کتاب خود از اثری به نام ضیاء الالباب نام برده که حاوی برخی پرسش‌ها و پاسخ‌هاست. وی مؤلف این کتاب را داعی یمنی طیبی، علی بن محمد بن ولید (متوفی ۶۱۲ ق) نامیده و آغاز این کتاب را نقل کرده است. علی بن محمد بن ولید در آغاز کتاب متذکر شده که ۲۲ سوال موجود در کتاب را فقیه اسماعیلی محمد بن ابراهیم بن ابی عمر مطرح کرده است (ص ۲۲۹).

اجینی فهرست کامل این سوالات را آورده است (ص ۲۲۹ - ۲۳۷). این پرسش‌ها، درباره مطالب متناقض داعیان اسماعیلی است و پرسشگر می‌خواهد قول اصح را بداند. در ضمن مسائل شانزدهم، هفدهم، هجدهم، بیست و یکم و بیست و پنجم از فردی به نام ابوتام و کتاب الشجرة وی سخن رفته است. در مسئله شانزدهم سخن ابوتام در کتاب الشجرة بر این است که نوح اولین صاحب شریعت است. این مطلب نشان‌دهنده پیروی مؤلف کتاب الشجرة از عقیده نسفی صاحب کتاب المحصول است که به عینه در دو کتاب الايضاح منسوب به ابوفراس و کتاب شجرة اليقين داعی عبدان قرمطی نیز آمده است. به نظر می‌رسد که این دلایل برای عدم انتساب کتاب الشجرة (الايضاح) به ابوفراس کافی باشد به علاوه علی بن محمد بن ولید (متوفی ۶۱۲ ق) در اثر خود به کتاب الشجرة استناد کرده است یعنی چند قرن قبل از تولد ابوفراس. در مورد رد ادعای عارف تامر در چاپ دوم کتاب الايضاح با عنوان شجرة اليقين نیز نیازی به

در سال ۱۹۶۵ م، عارف تامر، محقق پرکار اسماعیلی پژوه، که خود پیرو شاخه‌ای از اسماعیلیان سوریه است و از این رو از آثاری که به چاپ رسانده باید با احتیاط فراوان بهره جست، متنی را با عنوان کتاب الايضاح با انتساب به ابوفراس شهاب‌الدین مینقی منتشر کرد. پدر این داعی اسماعیلی اهل منطقه دیلم بود و به شام مهاجرت کرد. مینقی در ۸۵۹ ق / ۱۴۴۵ م در سوریه متولد شد و دوران کودکی و نوجوانی را در قلاع اسماعیلیه در مناطقی چون مصیاف، قدموس و خاصه مینقه گذراند و در همانجا نیز درگذشت (در ۹۳۷ ق / ۱۵۳۰ یا ۹۴۷ ق / ۱۵۴۰ - ۱۵۴۱ م). گروه اسماعیلی که ابوفراس داعی آنان بود، سلسله امامتی را که نزاریان مدعی بودند قبول نداشتند. نام متداول بر آنها در آن مناطق نیز اسماعیلیان جعفری است و سنت جالب توجه در بین آنها، استنساخ کتاب‌های اسماعیلیه است.

بررسی کتاب الايضاح انتساب آن را به ابوفراس، به ادعای تامر، تأیید نمی‌کند. بلکه نشان می‌دهد کتاب بازتاب سنت کهن‌تر اسماعیلیه، خاصه اسماعیلیان ایران است.^{۱۰} می‌دانیم که مهم‌ترین جریان اسماعیلیه ایران قبل از دوره نزاری، حرکت محمد نسفی یا نخستینی (متوفی ۳۲۲ ق / ۹۳۴ م) است که حتی در دربار سامانیان موفقیت‌هایی نیز به دست آورد.

سواى جنبه سیاسى حرکت نسفى، وی مؤلف کتاب مهمی به نام المحصول بوده است. این کتاب واکنش‌های متعددی را در میان اسماعیلیان به همراه داشت. براساس عقاید اسماعیلیه در سلسله مراتب دعوت، نطقاً آورندگان شریعت اسمانی به جهان هستند. ترتیب متداول مقبول از آدم تا خاتم است ولی نسفی بدون آنکه آدم را از جرگه نطقاً خارج کند او را فاقد شریعت معرفی کرده و برای گشودن اباحی‌گری میان اسماعیلیه، شریعت آخری را از آن محمد بن اسماعیل دانسته است. چنین دیدگاهی، ظاهراً تنها میان پیروان وی که در خراسان بودند، گسترش و مقبولیت یافت.^{۱۱} در اشاره به این مطلب، مؤلف کتاب الايضاح می‌نویسد (ص ۱۱): «فأدم لم تكن له شريعة لانه امر باعمال ولم ينه عن تركها و حد العمل مالا يجوز تركها و حد الشريعة مالا يجوز تركها... و ان اعماله كانت تطوعاً و لذلك سمى دوره دور التطوع اما نوح فانه قرن التطوع بالشريعة لانه امر بالاعمال ولم يشرع بتركها و سمى الاعمال التي امر امته باستعمالها شرائع و لذلك سمى دوره دور الشريعة»

دلیل دیگر برای تردید در انتساب تامر، عقیده مؤلف کتاب الايضاح درباره امامت است. می‌دانیم که با ظهور دولت فاطمیان در ۲۹۷ ق، بخش‌هایی از جامعه اسماعیلیه دعوت آنها را نپذیرفتند. قرمطیان بر امامت محمد بن اسماعیل پای فشردند و گروه‌هایی از اسماعیلیان ایران نیز چنین کردند. ظاهراً بعدها، برخی از اسماعیلیان ایران، برای مصالحه خلفای فاطمی را به عنوان نمایندگان و خلفای محمد بن اسماعیل که از وی به قائم یاد کرده‌اند، پذیرفتند. مادلونگ این را خصلت اسماعیلیان

اعرجوزه‌ای است.»^۲

گفته‌های پوناوالا درباره ابوتمام، مؤلف کتاب الشجره، با توجه به مطالبی که پیش از این یاد شد، تا حدی نادرست است. در حقیقت ابوتمام از داعیان اسماعیلی خراسانی قرن چهارم و نسل بعد از نسفی است. بخشی دیگر از کتاب الشجره وی را ویلفرد مادلونگ و پاول واکر با عنوان باب الشیطان من کتاب الشجره (لیدن، ۱۹۹۸) به چاپ رسانده‌اند. این بخش کتاب، گزارشی از فرقه‌های اسلامی است. محققان کتاب باب الشیطان، در پانوشته، در ذیل بحث از هر فرقه‌ای، به آثار کهن ملل و نحل ارجاع داده‌اند و متن عبارات را که در اغلب موارد همانند گزارش مؤلف کتاب الشجره است نیز آورده‌اند. بر این اساس مسلم است که ابوتمام از آثاری چون مقالات و الفرق سعلین عبدالله اشعری و کتاب مقالات الاسلامیین ابوالحسن اشعری بهره برده و این آثار از منابع اصلی وی در تألیف کتاب الشجره بوده است. اثر دیگری که مؤلف کتاب الشجره از آن بهره گرفته، کتاب مقالات الاسلامیین ابوالقاسم بلخی (متوفی ۳۱۹ ق) است. محققان در ذیل صفحات با آوردن عین عبارات‌های همانند از این اثر، بهره‌گیری مؤلف کتاب الشجره از این اثر را نشان داده‌اند. مصححان به این منظور از بخش‌های باقی مانده کتاب مقالات الاسلامیین که با عنوان باب ذکر المعتزله من مقالات الاسلامیین، در کتاب فضل الاعتزال و طبقات المعتزله به کوشش فؤاد سید (تونس، ۱۹۷۴) چاپ شده استفاده کرده‌اند. بخشی دیگر از این کتاب در کتاب المغنی فی ابواب التوحید و العدل قاضی عبدالجبار معتزلی (متوفی ۴۱۵ ق) نیز آمده که مصححان از آن بهره نبرده‌اند. مؤلف کتاب الشجره در ذیل فرقه احمدیه می‌نویسد: «الفرقة الخامسة الاحمدية، نسبوا الى امامهم احمد بن موسى. قالوا: ان الامام بعد رسول الله صلى الله عليه وآله علي بن ابي طالب ثم الحسن ثم الحسين ثم علي بن الحسين ثم محمد بن علي ثم جعفر بن محمد ثم موسى بن جعفر ثم احمد بن موسى و قالوا: ان الامامة باقية في اولاد احمد بن موسى الى ان يخرج المهدي و هم اليوم يرجعون الى عدد كبير» (ص ۱۲۵). قاضی عبدالجبار نیز به نقل از بلخی در وصف احمدیه نوشته است: «و يقال ان فيهم فرقة رابعة قطعوا على وفاة موسى و دائوا من بعده بامامة احمد بن جعفر و لهم عدد كبير» (المغنی فی ابواب التوحید و العدل، ج ۲، بخش دوم، ص ۱۸۱). مقایسه این دو عبارت مشخص می‌کند که اثر بلخی به صورت کامل در اختیار ابوتمام بوده و از آن بهره برده است.^۳

پی نوشت‌ها:

* ویلفرد مادلونگ و پاول واکر (تصحیح متن عربی و ترجمه به انگلیسی)، فرق‌شناسی اسماعیلی، باب الشیطان من کتاب الشجره ابوتمام، بریل، لیدن ۱۹۹۸.

۱. درباره آثار اسماعیلیه حتی در قرون چهارم نیز این اشکال وجود

ارائه دلیلی نیست چرا که تا مر خود دلیلی بر این انتساب ارائه نکرده است. شواهد دیگر برای تألیف کتاب الايضاح یا شجرة اليقين در قرن چهارم چنین است:

۱. ابوتمام احتمالاً خراسانی یا دست‌کم ساکن خراسان بوده است. این را می‌توان از نوع ارجاعات وی به مسائل و اوضاع محلی خراسان دریافت. برای مثال ابوتمام می‌نویسد: «و قد رايت مع اعرابي جاء من العراق الي خراسان (در متن به خط خراسان) غرباً فکان يفرش الفراش و يبسطه بمنقاره و يخبثون له غرضاً بين عشرين نفساً فيخرجها باشارة صاحبه دون ان يدله عليه احد و كان يركب الديك و يضربه بمنقاره و يسوقه كما يسوق الرجل دابته و قدر ايت بعيني و سمعت الكثير من عجائب الطيور مما يطول البحث اذا ذكرته في كتابي» (ص ۵۹).

۲. عبارات‌های فراوانی از نسفی و کتاب المحصول وی با عنوان «الحكيم الفاضل» آورده (تا مر در چاپ الايضاح عبارات را چنین نقل کرده و در شجرة اليقين آن را به «الحكيم الصادق» تغییر داده که قرائت اول مرجح است) و در پی آنها عبارت (اعلی الله درجته) را آورده که نشان می‌دهد این عبارت را مؤلف کتاب و نه کاتب نسخه افزوده است و تاریخ تألیف کتاب بعد از قتل نسفی (۳۲۲ ق) است.^۴

نگاتی درباره کتاب الشجره و مؤلف آن

اسماعیل کمال پوناوالا، تکمیل‌گر فهرست مجلوع درباره ابوتمام نوشته است: «ابوتمام از داعیان اسماعیلی که در نیمه نخست قرن ششم هجری / دوازدهم میلادی یا قبل‌تر از این زمان حیات داشته است». مأخذی که به وی اشاره کرده‌اند، عبارت‌اند از: ابومحمد مختصر فی عقابنه برگ‌های ۸۲۵، ۱۰۹۸، ۱۱۵۸ (از اثری به نام معجزة الدین سخن گفته که ظاهراً خطاست). ۱۲۰۸: ابراهیم حامدی، کنز الولد، ص ۲۰۳ از ارجوزه الداعی ابی تمام یاد کرده است؛ علی بن الولید، رساله ضیاء الالباب مذکور در مجلوع، فهرسة الكتب و الرسائل، ص ۲۳۳ - ۲۳۵ که از کتاب الشجره نام برده است؛ بهروچی، ج ۱، ص ۱۹۱ از کتاب الشجره نام برده است؛ حسین الهمدانی، الصلیحیون، ص ۲۸۹؛

Ivanow, Guide, 56; Ism. Lit, 68.

پوناوالا تألیفات ابوتمام را چنین یاد کرده است: کتاب الشجره. ابومحمد (یمنی) از این کتاب با عنوان شجرة الدین و برهان اليقين یاد کرده است. ایوانف این اثر را با دیگر تألیف این داعی اسماعیلی یعنی ارجوزه یکی دانسته که خطاست. حسین الهمدانی [و علینقی منزوی] نیز به تبع ایوانف مرتکب این خطا شده‌اند. نسخه‌های خطی این اثر (چنین است). مجموعه نسخه‌های اسماعیلی کلثوم بانئ کینخابوالا، سورت هند؛ مجموعه نسخه‌های اسماعیلی شیخ عبدالقیوم بن عیسی بهایی. این نسخه در تملک A. L. QUAZI در بمبئی است به تاریخ ۱۳۱۸ که احتمالاً تلخیصی از کتاب است؛ مجموعه نسخه‌های اسماعیلی مجموعه داودی، اتباع ملک وکیل، بمبئی، تاریخ ۱۳۱۴. دیگر اثر موجود وی،



را به عقاید اسماعیلیه وارد کرده است. این کتاب واکنش‌های تندى را در میان اسماعیلیان برانگیخت و به نگارش ردیه‌هایی بر آن منتهی شد. معاصر وی، ابوحاتم رازی، کتاب الاصلاح را در نقد آن نگاشت. با این حال، این کتاب مهم در تاریخ تفکر اسماعیلیه باقی نمانده است اما نقل‌قول‌های فراوانی از آن در کتاب الاصلاح ابوحاتم رازی، ریاض حمیدالدین کرمانی، من کشف الاسرار الباطنیة و غوار مذهبهم ابوالقاسم بستى، ابومحمد [یمنى] در کتاب مختصر فی عقاید ضیاء الالباب علی بن ولید و کتاب الايضاح [منسوب به] ابوفراس باقی مانده است. بخشی با عنوان «فصل فی الفرق بین الملائكة بالقوة و الملائكة بالفعل» در کتاب محمد الحارثی، مجموع التزییة ج ۲ باقی مانده است. اما مؤلف نمی‌گوید که آن را از کدام کتاب نسفی اخذ کرده است و تنها با ذکر من کلام النخشی به آن اشاره کرده است. اما بحث این بخش همانند با عبارتهایی است که ابوفراس در الايضاح آورده و تصریح کرده که از کتاب المحصول نسفی آنها را نقل می‌کند. عالمان زیدی در نقد آرای اسماعیلیه به کرات به این کتاب اشاره کرده‌اند. ابوالقاسم بستى در کشف الاسرار الباطنیة و حمید معلى یمنى (متوفى ۶۵۳ ق / ۱۲۵۵ م) در کتاب الحسام البتار فی الرد علی القرامطة الکفار (نک: دلمی، قواعد عقائد آل محمد ص ۴۳، ۶۸) از این کتاب بهره گرفته‌اند. ایوانف در نسبت این کتاب به نسفی تردید کرده است. اما همان‌گونه که در برگ عنوان یکی از نسخه‌های کهن ریاض کرمانی آمده، این تردید بی‌دلیل است (مصنف کتاب المحصول هو سیدنا الحمید النخشی و هو استاذ سیدنا ابی یعقوب السجستانی کما ذکر سیدنا علی ابن محمد بن الولید فی المجلس السادس و الاربعین من المائة الاولى من کتاب الموسوم بالفصح و البیان) در آخر این نسخه آمده است: الموهوبه من سیدنا عباس شمس‌الدین علی بن احمد ابی القاسم المقرئ سنة ۷۶۵ ق). عباس شمس‌الدین پانزدهمین داعی دعوت یمنى (متوفى ۷۷۹ ق / ۱۳۷۸ م) است. ابوفراس در کتاب الايضاح ص ۲۶، ۵۲، ۹۱، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۴۸ به مؤلف کتاب المحصول با عنوان «الحکیم الفاضل» اشاره کرده است. ر. ک:

Ismail K. Poonawala, Op. Cit, pp. 42 - 43.

در برخی اظهارات پوناوالا تغییراتی داده شد.

7. Poonawalla, Op. Cit. P. 132.

۸. در بحث از این فرقه در اثر سید حسین مدرسی (مکتب در فرآیند تکامل، ترجمه هاشم ایزدپناه، نیوجرسی، ۱۳۷۴، ص ۸۹، پی نوشت ۴۸) درباره جمعی که به امامت احمدین موسی گرویند، به عبارت بلخی در وصف این عده به دقت توجه نشده و ایشان نوشته‌اند: «اگر این گزارش‌ها درست باشد این گروه‌ها باید متشکل از افراد بسیار معدودی باشند چون در مآخذ شرح حال راویان و محدثان شیعه از هیچ کس که چنین عقایدی داشته باشد، نامی نیست». در ادامه مؤید عقیده به کثرت طرفداران احمدین موسی بن جعفر به کتاب الشجرة ارجاع داده شده است.

داشت که برخی از آثار آنها، بدون نام نویسنده رواج داشته است. ابویعقوب سجستانی (متوفی حدود ۳۸۶ - ۳۸۹) در اشاره به این مطلب می‌نویسد: «فان مذهب اهل الحق قد کثرت کتبه و انتشرت دعوته فی جمیع الافاق و وقعت الی المستحق و غیرالمستحق لملل کثیرة لاحاجة الی ذکرها فی هذا کتاب لظهورها، و ان الکتب المنسوبة الی مذهبنا کثیرة لم ینصف مؤلفها نفسه ولا احس بما یعارضه خصمه، فالقها معرأة من البراهین الی تحفظها من طعن الطاعین و شعب المجادلین، فضلها الفث من الکلام بالسمین (کتاب الافتخار، تحقیق مصطفی غالبه بیروت، ۱۹۸۰، ص ۱۹). ۲. تامر در مقدمه‌ای که بر رساله مطالع الشوموس فی معرفة النفوس ابوفراس نگاشته، بر تألیف کتاب الايضاح و انتساب آن به ابوفراس بدون اشاره به تردید خود در این باره سخن گفته است (ر. ک: عارف تامر، اربع رسائل اسماعیلیه بیروت، ۱۹۷۸، ص ۱۰). پوناوالا به تبع عارف تامر، در ذیل شرح حال ابوفراس شهاب‌الدین بن القاضی نصر مینقی، کتاب الايضاح را که عارف تامر براساس سه نسخه خطی تصحیح کرده به وی نسبت داده است.

Ismail K. Poonawala, Biobibliography of Ismail Literature, Malibu, Calif, 1977, P294.

۳. برای تفصیل این مطلب ر. ک: عباس زریاب خوبی، مدخل «ابویعقوب سجستانی» در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۴۲۹، پاول واکر، حمیدالدین کرمانی: تفکر اسماعیلی در دوره الحاکم بامرالله ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، ۱۳۷۹، ص ۵۲ - ۵۳؛ شین نوموتو، مقدمه کتاب الاصلاح ابوحاتم رازی، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبی در ابوحاتم احمدین حمید الرازی، کتاب الاصلاح، تهران، ۱۳۷۷.

۴. فقط به چاپ دوم کتاب الايضاح یعنی کتاب شجرة الیقین دسترسی دارم و ارجاعات به همین چاپ است. برای موارد دیگر از عقیده خاص درباره نطق در این کتاب ر. ک: کتاب شجرة الیقین، ص ۱۴، ۱۵۳.

5. Wilferd Madelung, "Das Imam at in der fruhen ismailitschen Lehre", Der Islam, 37 (1961), PP. 101 - 114. Cited in: Paul E. Walker, "Abu Tammam and his Kitab Al - Shajara: A New Ismaili Treatise from Tenth- Century Khurasan", Journal of the American Oriental Society 114. 3 (1994), P. 344, n. 6.

۶. برای موارد منقول از کتاب المحصول نسفی ر. ک: کتاب شجرة الیقین، ص ۲۸، ۵۵، ۵۸، ۹۰، ۹۳، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۵۴. ابوتمام ظاهراً آثار دیگری چون کتاب المیزان و البرهان داشته که به کرات به آنها نیز ارجاع داده است (همان، ص ۱۲، ۳۷، ۸۰ (کتاب المیزان)، ص ۱۲، ۱۳، ۳۷، ۴۹، ۷۷، ۸۰، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۴۱ (کتاب البرهان). نیز نک: مجدوع، فهرسة الکتب و الرسائل، ص ۲۵۴ - ۲۵۷).

اسماعیل کمال پوناوالا درباره کتاب المحصول می‌نویسد: «کتاب المحصول مهم‌ترین کتاب نسفی است که وی در آن آرای نوافلاطونی